

انگیزه و راهبرد دفاعی محمد رضا شاه برای دستیابی به بازدارندگی هسته‌ای

دکتر علی رضا علی صوفی^۱

محمد مهدی پورمازار^۲

چکیده

نگرانی‌های امنیتی محمد رضا شاه در دهه هفتاد میلادی از ابرقدرت اتمی شوروی که سابقه اشغال آذربایجان را داشت و کشورهای همسایه تندرو عرب را تجهیز تسلیحاتی میکرد، مقارن با آزمایش هسته‌ای هند فزونی گرفت و برای ایجاد موازنه ترس در تنهایی استراتژیک و نبود هم پیمان نظامی در کنار تقویت ارتش برنامه هسته‌ای وسیعی را تدارک دید. ایالات متحده با نگرانی از مسابقه تسلیحات اتمی در غرب آسیا با چشم پوشی از توان هسته‌ای اسرائیل با غنی سازی اورانیوم و بازفرآوری سوخت اتمی در ایران به دلیل امکان کاربری نظامی‌اش مخالفت کرد. سوال اصلی این است که شاه به غیر از هدف اعلامی تولید برق انگیزه دیگری برای اتمی شدن داشت؟ او با رویکردی واقع گرایانه نسبت به تهدیدات، فناوری اتمی را ابزار موثری در راستای سیاست مستقل ملی می‌دانست و خواستار توانمندی قانونمند هسته‌ای بود که کاربردی دوگانه داشت تا بتواند به کمک آن علاوه بر استفاده‌های صلح آمیز، بازدارندگی هسته‌ای مناسبی را در زمان بر هم خوردن تعادل قوا به ضرر ایران با رسیدن به نقطه فرار اتمی ایجاد نماید. پژوهش نظری حاضر با روش توصیفی- تحلیلی و استدلال از داده‌های تاریخی با ابزار گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای انجام شده است.

واژگان کلیدی: ایالات متحده آمریکا، بازدارندگی هسته‌ای، برنامه هسته‌ای ایران، غرب آسیا، محمد رضا شاه پهلوی.

^۱ دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران،

^۲ دانشجوی دکتری تاریخ پس از اسلام، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران،

مقدمه

شرایط امنیتی و تهدیدات حاکم بر غرب آسیا در کنار سوابق تاریخی حاصل از اشغال ایران در دو جنگ جهانی سبب گردید که حفظ امنیت از مهمترین دغدغه‌های محمد رضا شاه برای حفظ حکومت او قرار گیرد و به نقش قدرت نظامی در میان مؤلفه‌های قدرت ملی توجه بیشتری شود، پس در نگرشهای قبلی به توان رزمی برای مقابله با تهدیدات با توجه به روند سریع پیشرفت انواع فناوری در قرن بیستم تجدید نظر شد و در دهه هفتاد میلادی با احساس خطر از شوروی و جهت توازن قوا در برابر همسایگان مسلح متمایل به بلوک شرق خریدهای تسلیحاتی زیادی صورت گرفت. آزمایش اتمی هند و مسلح شدن اسرائیل به سلاح هسته‌ای موجب عکس العمل شاه شد، چون آنرا تهدید جدی جدیدی برای خود می‌دید که لازم مینمود از هر راهی با آن مقابله کند و سعی کرد از تمام راه‌های ممکن به امکانات لازم برای دستیابی به فناوری هسته‌ای و صنعت برآمده از آن دست یابد تا بتواند علاوه بر تامین نیاز برق مصرفی رو به افزایش، در صورت لزوم از آن برای مقاصد نظامی نیز بهره ببرد. در مقاله حاضر با توجه به سوال اصلی و داده‌های موجود در سه محور، رویکرد واقع گرایی در سیاست مستقل ملی حکومت محمد رضا شاه، رقابت‌های غرب آسیا و اندیشه بازدارندگی هسته‌ای شاه و در آخر سیاست ایالات متحده آمریکا در مورد برنامه اتمی ایران در دهه هفتاد می‌پردازد.

بیان مساله

شاه برنامه گسترده هسته‌ای را با هزینه گزاف و به پشتوانه دلارهای نفتی تدارک دید که شبیه آن برای دیگر کشورهای در حال توسعه وجود نداشت و این موجب شک آمریکا به نیت نظامی برنامه هسته‌ای ایران گردید، به گونه‌ای که شرکت‌های آمریکایی در مشارکت در آن تا حصول توافق و اطمینان از صلح آمیز بودنش منع شدند و علاوه بر آن اجازه بازفراوری سوخت هسته‌ای و غنی سازی اورانیوم در داخل ایران داده نشد و ایران فقط توانست با یک کنسرسیوم اروپایی برای رفع نیازهای سوخت نیروگاههای هسته‌ای در دست ساخت خود مشارکت کند تا پروسه‌هایی از فناوری هسته‌ای که کاربرد دوگانه دارد در خارج از مرزهای ایران باشد. در واقع آمریکایی‌ها با این که شاه را به تولید ده‌ها مگاوات برق اتمی برای تامین نیازهای رو به ازدیاد صنایع جدید و گسترش شهرنشینی در چشم‌انداز دراز مدت تشویق می‌کردند تا در کنار استفاده شرکت‌های غربی از آن خوان گسترده از سهم نفت صادراتی ایران برای رفع نیاز داخل کاسته نگردد، آنها با این که شاه را متحد خود در غرب آسیا میدانستند نسبت به انگیزه‌های او در توسعه برنامه هسته‌ای وسیعی که تدارک دیده بود نگران بودند، چون دستیابی به چرخه کامل سوخت اتمی از جمله غنی سازی و بازفراوری سوخت مصرف شده در برنامه‌های سازمان انرژی اتمی ایران بود که با کاربرد دوگانه ای که داشت عبور از خط قرمز غرب محسوب میشد و میتوانست به تغییر صحنه ژئوپلیتیک منطقه بینجامد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

در اهمیت این تحقیق میتوان نوشت در دهه پنجاه شمسی با توجه به برآورد آتی توان نظامی همسایگان، قسمتی از طرح ریزی عملیاتی راهبرد دفاعی بلند مدت ایران در آمایش دفاع سرزمینی به سمت دستیابی به انرژی اتمی رفت که با اقناع شرکت‌های غربی جهت فروش فناوری اتمی با دلارهای نفتی که برای پیشبرد پروژه‌های خود به سرمایه کلان نیاز داشتند انجام گرفت تا از توانایی‌های بالقوه و بالفعل این فناوری برای کاهش تهدیدات حال و آینده استفاده شود. با عدم تحقیق در این موضوع نمی‌توان برداشت جامعی از برنامه

دراز مدت دفاعی کشور در آن مقطع داشت و با بی توجه به این مؤلفه و ویژگی‌های آن قسمتی از پازل دفاعی کشور با وجود تهدیدات آشکار و نهان هسته‌ای در همسایگی ایران و در زمان اوج جنگ سرد مغفول می‌ماند. پس باید دید به غیر از استفاده‌های صلح آمیزی مانند تولید برق، محمد رضا شاه چه انگیزه‌های دیگری برای برنامه وسیع خود داشت و تهدیدات منطقه‌ای چه تاثیری بر اتخاذ راهبرد دفاعی مبتنی بر بازدارندگی موثر گذاشت. هدف از این سوالات درک جایگاه فناوری هسته‌ای در راهبرد دفاعی محمد رضا شاه و تبیین انگیزه‌های او برای دستیابی به بازدارندگی موثر هسته‌ای است.

پیشینه تحقیق

با بررسی منابع و پژوهش‌های دانشگاهی موجود در موضوع تحقیق در بین نویسندگان خارجی استیون مک گلینچی (۱۴۰۰)، در کتاب آمریکا و شاه، سی سال رابطه تسلیحاتی به تفصیل در مورد خریدهای تسلیحاتی متعارف در دوره محمد رضا شاه همزمان با افزایش قیمت نفت در شرایط جنگ سرد سخن گفته است. در میان پژوهشگران داخلی که در مورد ساختار دفاعی ایران در آن دوره مطلب نوشته‌اند، محمد جعفر چمنکار (۱۳۸۲)، در مقاله توسعه ساختار نظامی حاکمیت پهلوی؛ زمینه‌ها و تأثیرات آن بر سیاست خارجی ایران، بیشتر به عوامل داخلی و خارجی در توسعه ارتش ایران می‌پردازد. جمیل قریشی و رامین نادرلویی (۱۴۰۰)، نیز درک پهلوی دوم از امنیت و خرید تسلیحات نظامی پیشرفته را از منظر مکتب کپنهاگ^۱ مورد بررسی قرار دادند و بر روی عدم توجه حکومت وقت بر روی ابعاد اجتماعی و نرم افزاری امنیت تاکید نموده‌اند. در کل در هیچ کدام از این موارد به نقشی که برنامه هسته‌ای می‌توانست در برنامه دفاعی کشور در بلند مدت ایفا کند پرداخته نشده است، بلکه با مرور در زمینه تحقیقاتی دیده می‌شود بیشتر مطالب مربوط به خریدهای نظامی حکومت وقت می‌باشد و در مورد برنامه هسته‌ای ایران نیز اکثر اطلاعات موجود مربوط به اعلام توافقات رسمی اتمی ایران و سایر کشورها است که توسط خبرگزاری‌ها انتشار یافته است که یکی از دلایل آن این می‌تواند باشد که اسناد مربوط به برنامه هسته‌ای ایران در داخل و خارج به دلیل ماهیت سری اش و درگیری کشور با آن طی دهه‌های اخیر هنوز از طبقه بندی خارج نشده است. وجه تمایز این تحقیق آن است که سعی دارد در فقدان اسناد غیر قابل دسترس با استفاده مطالب موجود و با بهره‌گیری از تاریخ شفاهی و بخصوص سخنان به جا مانده از دو نفری که بیشترین سهم در معماری برنامه هسته‌ای کشور را در آن دوره داشتند، از جمله مصاحبه‌های محمد رضا شاه و خاطرات اکبر اعتماد، نخستین رئیس سازمان انرژی اتمی ایران در کتاب مجید کریمی (۱۳۹۷)، سال‌های اعتماد و همچنین اثر محمد حسین یزدانی راد (۱۳۹۸)، در پرتگاه حوادث، زندگی نامه اکبر اعتماد، درک بهتری از نیت تصمیم گیرندگان اصلی این برنامه و اهداف آنها داشته باشد و تحلیلی از انگیزه‌های شاه برای رسیدن به نقطه فرار اتمی و راهبردش در جهت حفظ حکومت در زمان بروز تهدیدات هسته‌ای و در عدم کفایت قوای متعارف نظامی ایران ارائه کند که در مورد آن پژوهش مستقلی تاکنون صورت نگرفته است.

ادبیات و مبانی نظری تحقیق

والتر لیپمن معتقد است وقتی یک ملت دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش‌های اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ بتواند آن را پیش ببرد (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۱). امنیت در

^۱Copenhagen school

نبود تهدید و تهدید در نبود امنیت شکل می‌گیرد و اصلی‌ترین وظایف دولت‌ها در جهت حفظ منافع ملی، تامین بالاترین درجه امنیت در بعد داخلی و خارجی است (صادقی و نادری، ۱۳۹۵: ۱۶۷). استدلال اصلی تئوری امنیتی شدن این است که در روابط بین الملل زمانی که یک موضوع به یک مسئله امنیتی تبدیل می‌شود و دولت‌ها تهدیدی را حس می‌کنند، حق کنترل کردن شرایط را با توسل به هر وسیله‌ای می‌بینند تا آن را برطرف کنند (بوزان و همکاران، ۱۹۹۸: ۱۵۰). در این بین حتی نظریه پردازان مکتب کپنهاگ که امنیت را ایده آل در نظر نمی‌گیرند و در صدد شکستن گفتمان‌های امنیتی هستند (ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۸۴)، آن را به عنوان شری ضرور برای برطرف شدن تهدیدات بنیادین در نظر می‌گیرند (مک سوینی، ۱۹۹۶: ۴۵)، چون در عمل هر مسئله امنیتی که نمود یافته و به عنوان تهدیدی وجودی مطرح شده؛ بلافاصله و با اقدامات ویژه‌ای مورد رسیدگی قرار گرفته است (بوزان و همکاران، ۱۹۹۸: ۱۴۵).

در مورد امنیت کشورها، سه گزینه واقع گرایی، کثرت گرایی و سازنده گرایی مطرح است (مرتضوی و باقری، ۱۳۹۹: ۱۰). رابرت ماندل، سیاست مستقل ملی که با امنیت ملی شکل می‌گیرد را بر پایه واقع گرایی، شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی و جز مسئولیت‌های حکومت‌های ملی می‌داند تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج نسبت به بقا جلوگیری به عمل آورد (ماندل، ۱۳۷۹: ۵۱-۵۲). توجه واقع گرایان برای تامین امنیت بر قدرت به وسیله توازن قوا است، چون بازدارندگی مناسب می‌تواند از جنگ جلوگیری کند (مشیرزاده، ۱۳۹۲: ۱۲۹). در واقع دلیل وجود نیروهای مسلح اعمال قدرت نظامی به عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت ملی در مقابل انواع تهدیدات به جهت بازدارندگی است (حسنپور، ۱۳۹۹: ۶۶). بازدارندگی یک نظریه قدیمی در امنیت بین‌الملل است که آن را به‌طور کلی می‌توان استفاده یک طرف از مجموعه‌ای از تهدیدها برای قانع کردن طرف دیگر به عدم انجام یک عمل نامطلوب تعریف کرد که پس از اختراع جنگ‌افزار هسته‌ای و آغاز جنگ سرد بیشتر مورد توجه قرار گرفت (هواس، ۱۹۹۹: ۲۵). به کارگیری سلاح هسته‌ای در سال ۱۹۴۵ از سوی آمریکا در جنگ دوم جهان را وارد عصر اتم کرد. برتری بمب اتم کم هزینه بودن آن نسبت به ارتش، همراه با بازدارندگی و سرعت عمل بود که می‌شد از آن به عنوان ابزار دیپلماسی نیز سود برد و انگیزه‌ای برای دیگر دولت‌ها گردید تا با کسب آن بتوانند به موازنه قدرت استراتژیک نائل شوند (رفسنجانی نژاد، ۱۳۹۸: ۳۸). نظریه بازدارندگی هسته‌ای بیان می‌کند که جنگ‌افزار هسته‌ای به علت قدرت تخریب بالا می‌تواند از حمله نظامی جلوگیری کند. دست درازی قدرت‌ها برای کسب منافع بیشتر اغلب منجر به اشتباه محاسباتی، رفتارهای مخاطره آمیز و جنگ می‌شد. ولی سلاح‌های هسته‌ای این وضعیت را تغییر داد، چون قدرت مخرب آن طرفین را به خوشتنداری وادار می‌کرد. قبل از کاربرد این سلاح هدف ابرقدرت‌ها شکست حریف بود، اما پس از آن هدف اصلی جلوگیری از شروع هر جنگی شد (برودی، ۱۹۵۹: ۲۶۴). والتز و میرشایمر به عنوان نظریه پردازان امنیتی با دیدی واقع‌گرایانه معتقدند کشورها در وهله اول نگران امنیت هستند و در هرج و مرج بین‌المللی برای حفظ خود به سمت موازنه قوا با بازدارندگی هسته‌ای پیش می‌روند و آن را تضمین نهایی

^۱Buzan, et. al

^۲McSweeney

^۳Huth

^۴Brodie

امنیت می‌دانند، چون توان پاسخ هسته‌ای متقابل امکان بقا را با موازنه ترس افزایش می‌دهد. این امر برای قدرت‌های درجه دوم نیز برای حفظ امنیت منطقه‌ای صادق است تا گرفتار عواقب فاجعه بار فقدان بازدارندگی متناسب نشوند (مرتضوی و باقری، ۱۳۹۹: ۲۸-۲۷-۱۷). برای واقع گرایان کسب توانمندی هسته‌ای برای توازن قوا و حفظ موجودیت با توجه به تجربه جهانی با وجود فشارهای داخلی و خارجی اولویت دارد، برای همین موضوعات داخلی مانند اقتصاد را هم در راستای آن ارزیابی می‌کنند، چون معتقدند استفاده از فناوری‌های پیچیده در جهت کسب اقتدار ملی در نهایت می‌تواند به رابطه‌ای متفاوت بین مردم و حکومت بینجامد.

روش شناسی تحقیق

پژوهش نظری حاضر با بهره‌گیری از بررسی‌های تاریخی، همراه با استدلال به روش توصیفی تحلیلی با استفاده از رویکرد اسنادی در گردآوری اطلاعات به کمک ابزار گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است که در آن سوابق کاری و تحصیلی یکی از نویسندگان در مهندسی هسته‌ای با توجه به موضوع پژوهش یاری رسان بوده است.

تجزیه و تحلیل

رویکرد واقع گرایی در سیاست مستقل ملی حکومت محمد رضا شاه

در اواسط دهه چهل به دلیل مجموعه عوامل خارجی و داخلی از جمله کاهش تنش بین دوا بر قدرت با قرارداد منع آزمایش هسته‌ای، شکل‌گیری جنبش عدم تعهد، تاسیس اوپک و توجه آمریکا به آسیای جنوب شرقی که موجب کاهش توجه این کشور به خلیج فارس شد و ثبات سیاسی بوجود آمده در داخل کشور ضرورت اتخاذ یک استراتژی مناسب در سیاست خارجی برای ایفای یک نقش فعال را برای ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای به وجود آورد، بر همین اساس شاه سیاست خارجی ایران را از ناسیونالیسم مثبت به مستقل ملی تغییر داد (هالیدی، ۱۳۵۸: ۲۶۲) و چنین تعریف کرد "همه تصمیم‌های مربوط به ما باید در داخل کشور گرفته شود و ما خودمان به وجود آورنده این سیاست باشیم تا ضامن حداکثر استقلال سیاسی و اقتصادی ممکن و در مسیر مصالح و منافع ملی باشد و به ما آزادی عمل بخشد تا در راه پیشرفت برنامه‌های سازندگی خود، از تجربه فنی و مهارت‌های مختلف دیگران بهره‌گیریم بی‌آنکه اسیر قید و بندی باشیم" (ازغندی، ۱۳۹۱: ۴۲). روابط خارجی ایران در این سیاست مستقل ملی برای حفظ امنیت مطابق نظریه واقع گرایی بود که از عوامل و نیروهای مادی شکل می‌گرفت و منافع ملی را در چارچوب بیشینه سود مادی تعریف می‌کرد (مرتضوی و باقری، ۱۳۹۹: ۱۱). از این دید تهدید واقعی، خطر حمله نظامی بود، برای همین در اجرای برنامه‌های امنیتی ابعاد دفاعی پر رنگ شد و بر تناسب مستقیم بین توانایی‌های دفاعی و منابع تهدید تأکید گردید (ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۸). ایران با توجه به افزایش درآمدهای نفتی در دهه هفتاد میلادی بزرگترین خریدهای نظامی متعارف در منطقه را داشت، ولی عامل اتمی می‌توانست به راحتی موازنه قدرت را تغییر دهد (مرتضوی و باقری، ۱۳۹۹: ۱۲). با توجه به شرایط مخاطره آمیز غرب آسیا در کنار آزمایش اتمی هند و تسلیح اسرائیل به بمب هسته‌ای، لزوم دستیابی به توانایی اتمی در راستای سیاست ناسیونالیسم مستقل ملی برای شاه گریز ناپذیر می‌نمود، تا بتواند از بازدارندگی هسته‌ای در کنار سایر عوامل در جهت حفظ خود بهره‌جوید. توان هسته‌ای ترس‌های امنیتی را کاهش می‌داد و دیگران را مجبور می‌کرد تا از توسل به زور علیه ایران بپرهیزند. این نگاه ناشی از رویکردی واقع‌گرایانه بود که بدون نگاه ارزشی و آرمان‌گرایانه به مسائل، قدرت

را محور قرار میداد و برای همین دموکراسی را به معنای ایمنی از حمله خارجی نمی‌دید، چون کشورهای صاحب دموکراسی نیز در نبود تضمین امنیتی کافی صاحب بیشترین سلاح هسته‌ای بودند.

کشورها بر اساس موقعیت ژئوپلتیک^۱ و ژئواستراتژیک^۲، میزان تهدید همسایگان، وضعیت امنیتی، سابقه تاریخی و فرهنگی و توسعه اقتصادی دست به انتخاب یکی چهار سطح توانمندی هسته‌ای می‌زنند، ۱. صلح آمیز، ۲. قانونمند، ۳. کامل، ۴. سلاح هسته‌ای. توانایی تسلیحاتی هسته‌ای خود دارای سه بخش است. ۱. غنی سازی اورانیم، ۲. ساخت موشک، ۳. ساخت کلاهک هسته‌ای. یک کشور قادر به تولید سلاح هسته‌ای توانایی کامل در هر سه بخش را دارد و آزمایش هسته‌ای انجام داده است، در حالی که یک کشور با توانمندی قانونمند، غنی سازی را تا سطح معینی انجام می‌دهد و به ساخت کلاهک هسته‌ای برای نصب بر روی موشک وارد نمی‌شود. ژاپن و آلمان بعد از جنگ جهانی دوم دنبال چنین توانایی قانونمندی بوده‌اند و ایران نیز خواستار پیمودن چنین راهی شد (رفسنجانی نژاد، ۱۳۹۹: ۵۰-۴۷). شاه حاضر به پذیرش دوباره تجربه اشغال کشور که می‌توانست به منزله پایان حکومتش تلقی شود نبود و گفته بود "دو دفعه در جنگ بین الملل اول و دوم مملکت ما اشغال شد و چه کشیدیم از این اشغال، این دویی است که سه نخواهد شد، اگر بشود از روی نعش ما خواهد بود"^۳. برای همین امنیت را یک موضوع غیر قابل مذاکره می‌دانست در حالی که غرب او را در هیچ پیمان نظامی قابل اتکایی نمی‌پذیرفت. وی در مصاحبه‌ای قبل از سفرش به فرانسه در سال ۱۳۵۳ در این باره گفت "چرا برای شما فرانسوی‌ها، برای آلمانی‌ها، برای انگلیسی‌ها، داشتن سلاح اتمی یا هیدروژنی می‌تواند امری عادی باشد، ولی برای ایران نه؟ ایران نه عضو پیمان ناتو است، و نه امکان حمایت خودکار اتوماتیک از سوی کشور دیگری را دارد. چرا برای ایران این اصل ساده و اساسی دفاع از خود، دفاع از منافع خود یک مشکل شمرده می‌شود، اما برای دیگران امری کاملاً عادی و معمولی است"^۴. غرب آسیا با عقب‌ماندگی در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و کمبود ظرفیت‌های فکری، سیاسی و امنیتی دارای اختلافات ایدئولوژیک بود که در جنگ سرد با داشتن منابع عظیم انرژی یکی از نقاط مورد تنش بین دو ابرقدرت محسوب می‌شد که هر لحظه می‌توانست شاهد جنگ جدیدی باشد. از نظر شاه یکی از مهم‌ترین عوامل جلوگیری از درگیری ایجاد توازن قوا در سطح منطقه بود و این توازن با توجه به بهره‌مندی هند و اسرائیل از سلاح هسته‌ای، تنها بر محور توان هسته‌ای شکل می‌گرفت و از این منظر ضروری بود ایران هر چه سریع‌تر به این توان دست یابد تا ثبات و امنیت منطقه پایدار بماند، بخصوص که تنهایی استراتژیک یکی از ویژگی‌های ایران در عرصه بین‌المللی و آرایش قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی بود که آن را می‌شد در معاهدات خارجی دو، سه قرن قبل از آن نیز مشاهده کرد. این امر ذهنیتی را به وجود آورد که نمی‌توان به نهادهای بین‌المللی اعتماد کرد و برای به دست آوردن امنیت باید به خوداتکایی با استفاده از فروش منابع داخلی رسید هرچند

^۱Geopolitical

^۲Geostrategic

^۳ www.youtube.com/watch?V=1zun-VxX1Eo، سخنان شاه در جمع مجلسین برگرفته از کانال روزها" برنامه‌ای که بوی خون می‌داد"

^۴ www.aparat.com/v/pEwBF، مصاحبه شاه با خبرنگاران اروپایی در تیر ۱۳۵۳ در تهران قبل از عزیمت به فرانسه.

هزینه آن زیاد باشد و بدین جهت خرید بالای تسلیحات متعارف در کنار اجرای برنامه وسیع هسته‌ای در دستور کار قرار گرفت.

اندیشه بازدارندگی هسته‌ای شاه در رقابت‌های غرب آسیا

امنیت منطقه‌ای بین پازل امنیت داخلی و جهانی قرار می‌گیرد و عواقب بی توجهی به آن برای هر کشوری می‌تواند، فاجعه بار باشد (دیسکاوا^۱، ۲۰۱۳: ۱۲). کشورها در مقابل افزایش قدرت همسایگان و بسته به میزان تهدیدی که حس می‌کنند یا توازن ایجاد می‌کنند یا به کشور تهدید کننده ملحق می‌شوند برای همین اصل توازن قوا در ذیل اصل توازن تهدید قرار می‌گیرد (ترابی، ۱۳۷۴: ۲). پس در بررسی رویکرد هر کشور نسبت به دنبال کردن برنامه هسته‌ای باید نیت تهاجمی همسایه یا همسایگان برخوردار سلاح هسته‌ای در کنار دیگر متغیرها مانند قدرت کلی، میزان نزدیکی جغرافیایی و قدرت تهاجمی آنها را با هم در نظر گرفت، چون بنا به قول مرشایر دولت‌ها برای حفظ خود به سمت سیاست‌های تهاجمی می‌روند که ناشی از عدم قطعیت آنها در برآورد میزان قدرت و نیت رقبا است که از ساختار آنارشیک نظام بین الملل سرچشمه می‌گیرد. استفن والت^۲ نیز در نظریه واقع گرایی تدافعی، دلیل ایجاد موازنه توسط کشورها را ناشی از درک میزان تهدیدی است که از طرف دیگران حس می‌کنند. در موازنه تهدید اگر کشوری دیگری را تهدیدی برای بقای خود بداند، بدون در نظر گرفتن برتری و نفوذ آن کشور تلاش می‌کند به سمت استراتژی موازنه برود، بخصوص که نتواند با سیاست دنباله روی در اتحادهای سیاسی و نظامی قدرت هژمون قرار گیرد یا با اتخاذ سیاست بی طرفی از کشمکش به دور ماند (مرتضوی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۱-۱۹-۱۷-۹-۸).

از دید امنیت منطقه‌ای هر تغییری در توازن قوای غرب آسیا بر سایر کشورها تاثیر داشت، چون کشورهای این منطقه به دلیل رقابت‌های دیرینه، طراحی سیاست‌های خود را با تمرکز بر وجود تهدید از ناحیه همسایگان شکل دادند. با انفجار اولین بمب اتمی هند در سال ۱۹۷۴، عزم دیگران برای دستیابی به چنین توانایی جدی گردید و موجب شد، مخفیانه به فکر دستیابی به تسلیحات هسته‌ای باشند. با توجه به این موارد حرکت ایران به سوی بازدارندگی هسته‌ای در نبود یک ساختار و سلسله مراتب دفاعی و امنیتی مناسب در منطقه و تنهایی ذاتی در بین همسایگان و بخصوصی تهدید جدی شوروی چندان هم عجیب به نظر نمی‌رسید و آن را می‌توان بر اساس توازن تهدید تحلیل نمود (لیتل، ۱۳۹۹: ۳۲).

برای شاه دستیابی کشورهای همسایه به سلاح اتمی در حالی که خود چنین توانایی را نداشت قابل پذیرش نبود. در این بین عراق با توجه به قرارگیری در بلوک چپ و اختلافات ارضی منجر به تنش در مرزها و در پی آن رقابت تسلیحاتی حساسیت بیشتری را دامن می‌زد. ایران از سال ۱۹۶۸ نگران بمب اتمی عراق بود و هویدا در سفر به آمریکا آن را با جانسون^۳ مطرح می‌کند. اکبر اعتماد در خاطرات خود در این باره می‌گوید "من به

^۱Diskava

^۲Estefen Walt

^۳Lyndon B. Johnson

سفیر فرانسه گفتم اشتباه کردید، نباید سوخت نود درصد به عراق می‌فروختید. از حالا به دولت شرط کن، بگو ما نگران این داستان هستیم و باید تمام کارهایی که فرانسه با عراق در زمینه انرژی اتمی می‌کند، به ما اطلاع دهید... صریح بگویم که تمام قرار دادها را به هم می‌زنیم" (کریمی، ۱۳۹۷: ۱۲۵-۱۲۴).

از سوی دیگر اسرائیل ششمین کشور در دنیا و اولین کشور خاورمیانه بود که با سیاست ابهام به سلاح هسته‌ای دست یافت. دکترین هسته‌ای این کشور بر اثر نبود عمق راهبردی بر جنگ پیشدستانه شکل گرفت. بر این اساس آنها از هیچ اقدامی جهت عدم دستیابی کشورهای منطقه به توانایی هسته‌ای، از جمله تلاش دیپلماتیک، عملیات خرابکارانه، ترور و حمله هوایی دریغ نمودند، چون برای بازدارندگی هسته‌ای مناسب، به ایجاد هژمونی هسته‌ای در منطقه نیازمند بودند (کوشکی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۴۵). اسرائیل شاهاک‌نیت واقعی سیاست‌های هسته‌ای اسرائیل را نه در بیانیه‌های رسمی دولت بلکه آنچه به زبان عبری در روزنامه‌های آن کشور می‌آید، می‌داند که در آنها اصل بازدارندگی عنصر بنیادین در رهنانه امنیتی اسرائیل تلقی می‌شود، که هیچ رقیب سیاسی و ایدئولوژیک را در منطقه تحمل نمی‌کند (مرتضوی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲-۱۱).

بن گوریون^۳، به عنوان اولین نخست وزیر اسرائیل در سال ۱۹۴۸ خطاب به دانشمندان یهودی آلمانی می‌گوید "از شما می‌خواهم از هم اکنون در تحقیقات و پژوهش‌های هسته‌ای تلاش نمایید و کلیه اقداماتی را که برای مجهز ساختن دولتمان به سلاح اتمی لازم است، انجام دهید" (اقبال، ۱۳۸۲: ۸۴-۸۳). برنامه هسته‌ای اسرائیل اندکی پس از پیدایش با این توجیه آغاز شد که تنها بازدارندگی هسته‌ای می‌تواند مانع نابودی این رژیم شود، لذا اسرائیل از همان بدو امر با نگرانی از تهدیدات، قدرت بازدارندگی انحصاری هسته‌ای را به عنوان رکن مهم راهبرد دفاعی برای حفظ بقای خود مابین کشورهای عرب همسایه قرار داد و در نهایت به کمک فرانسه و چشم پوشی و حتی کمک مالی آمریکا مجهز به این سلاح شد. این سیاست از شعار "دیگر هرگز" اتحادیه دفاع یهود می‌آید، به این معنی که هرگز یهودیان قربانی، کشته، بیکار و ساکت نخواهند شد (امیر شاه کرمی، ۱۳۸۳: ۵۵).

اسرائیل در اوایل دهه ۱۹۶۰ اورانیم غنی شده و حتی سلاح هسته‌ای و در آخر همین دهه جنگنده‌های میراژ با قابلیت حمل بمب هسته‌ای از فرانسه تحویل گرفت و به سلاح اتمی ساخت خود در سال ۱۹۷۰ دست یافت. به نظر این رژیم طی جنگ ۱۹۷۳ تسلیحات اتمی در اختیار داشت و نیروهایش در آماده باش کامل هسته‌ای بودند و این بازدارندگی باعث شد که مصر فکری فراتر از یک حمله محدود را نکنند (علی بابایی، ۱۳۸۶: ۲۷۴-۲۷۵). برتری هسته‌ای اسرائیل و عدم توازن قوا در منطقه از همان ابتدا برای شاه غیر قابل قبول بود. اسد الله علم در یادداشت‌های خود به تاریخ ۲۲ شهریور ۱۳۴۸ در این باره می‌نویسد "عرض کردم، نزدیک است اسرائیلی‌ها بمب اتم داشته باشند، فرمودند، پس ما چرا نداریم؟، عرض کردم آنقدر پیشرفت نکرده ایم. با کمال تأسف تصدیق نمودند" (عالیخانی، ۱۳۹۳: ۲۹۸). اما شاه که در دهه هفتاد میلادی به پشتوانه دلارهای نفتی این امکان را یافته بود تا دست به خرید فناوری گران قیمت اتمی بزند، دیگر حاضر نبود به سادگی یک

^۱ سخنان عباس میلانی در انجمن پریا ترلیم فوندیشن، ونکوور کانادا در سال ۲۰۱۵، درباره برنامه اتمی ایران، باز نشر در سایت یوتیوب www.youtube.com/watch?v=8fws1SaC5pA.

^۲ Israel Shahak

^۳ Ben Gorion

قدرت اتمی را در همسایگی خود بپذیرد و در سخنانی در سفر به فرانسه در تیر ماه ۱۳۵۳ گفت "ما اعلام کردیم که ما آماده خواهیم بود که منطقه خودمان را به عنوان یک منطقه غیر اتمی اعلام کنیم. این یعنی هیچ سلاح هسته‌ای نباشد و در منطقه ما انبار و مصرف نشود و سیاست ما مبتنی بر این است... واضح است که اگر هر کشور کوچکی تلاش کند تا سلاح اتمی به دست بیاورد، ما مجبور به تجدید نظر خواهیم بود. اما من امیدوارم این هرگز رخ ندهد و ما بتوانیم پایبند به این سیاست باشیم که نه تنها خود غیر اتمی باشیم، بلکه منطقه خودمان نیز غیر اتمی باشد ... در غیر این صورت زودتر از آن چه تصور می‌شود، سراغ سلاح هسته‌ای خواهیم رفت!"^۱

این اظهارات موجب عکس العمل‌های شدیدی شد و سفارت ایران در فرانسه آن را تکذیب کرد. برای همین شاه در سال ۱۹۷۵ در مصاحبه با روزنامه واشنگتن پست اظهار داشت "بزرگترین تضمینی که ایران به دنبال سلاح هسته‌ای نیست، برنامه ایران در زمینه سلاح‌های متعارف و توسعه سلاح‌های غیر هسته‌ای است، و با توجه به سلاح‌های پیشرفته‌ای که ایران در اختیار دارد، دستیابی به سلاح هسته‌ای برای ایران غیر ضروری است و به هیچ عنوان در اولویت نمی‌باشد"، در حالی که به فاصله چند ماه در مصاحبه با مجله اشپگل^۲ در ۲۱ ژانویه ۱۹۷۵، در مورد سیاست‌های دفاعی ایران بعد از آزمایش بمب اتم هند گفته بود "ما هیچ علاقه‌ای به ساخت بمب اتم نداریم. ما یک برنامه جدی برای تولید انرژی هسته‌ای داریم. هدف فعلی ما تولید ۲۳ هزارمگاوات برق است. چه سودی برای ما دارد که چند بمب اتمی داشته باشیم. ماهرگز نمی‌توانیم به اندازه کافی بمب اتمی داشته باشیم که علیه قدرت‌های اتمی مبارزه کنیم. اما اگر همه دنیا دیوانه بازی در بیاورد و کشورهای کوچک تلاش کنند چند تا بمب اتم جمع کنند، آنوقت شاید ما در موقعیتی قرار بگیریم که مجبور شویم ساخت بمب اتمی را آزمایش کنیم" (جوینر، ۱۳۹۶: ۲۴ و ۲۵).

شاه عقیده داشت که گذشته نشان داده ثبات منطقه در گرو ثبات ایران است و میلیون‌ها دلار برای خرید نظامی و نیروگاه‌های هسته‌ای و ورود تکنولوژی هزینه کرد و در مقابل هر چیزی که این ثبات را مختل می‌کرد واکنش نشان می‌داد. سندی به تاریخ ۱۴ ژانویه ۱۹۷۴ در آرشیو دانشگاه جرج واشنگتن از او نقل می‌کند، اگر در این منطقه هر کشور کوچکی تلاش کند، خود را با سلاح‌های نامتعارف اما ابتدایی ولی هسته‌ای مسلح کند، آنوقت امکان دارد منافع ملی هر کشوری بطلبد که چنین کند.^۴ اگر توان رزمی را قدرتی بدانیم که برای مقابله با دشمن استفاده می‌شود (رستمی، ۱۳۸۶: ۲۸۹)، این امر باید در آمایش سرزمین که برنامه‌ای راهبردی جهت توسعه است، لحاظ شود (توفیق، ۱۳۸۴: ۱۴)، تا با مدیریت صحیح امکانات بر اساس استعداد و ظرفیت‌های موجود هر سرزمین، بهر برداری حداکثری جهت رفع تهدیدات نظامی دشمن خارجی با هر وسیله‌ای تحقق یابد (افتخاری، ۱۳۸۳: ۵۷). هر کشوری برای نیل به توسعه پایدار و مقابله با چالش‌های امنیتی، نیازمند به برنامه ریزی راهبردی در زمینه دفاعی است و ایران با آن موقعیت ژئوپلتیکی، ژئواستراتژیکی و سابقه تاریخی نمی‌توانست نسبت به هسته‌ای شدن کشورهای تازه تاسیس منطقه بی تفاوت

^۱ مصاحبه رادیو و تلویزیونی شاه با خبرنگاران خارجی در تیر ۱۳۵۳ در فرانسه باز نشر در سایت یوتیوب
www.youtube.com/watch?v=mt5u4jaD1NA&ppygU

^۲The Washington Post newspaper

^۳Spiegel magazine

^۴ نوشتاری از عباس میلانی، استاد دانشگاه استنفورد در نشریه فارن پالیسی با نام رویاهای اتمی محمد رضا شاه به تاریخ ۱۱ دی ۱۳۸۹، باز نشر توسط خبر آنلاین: <https://www.khabaronline.ir/news/120347/>

باشد بخصوص که با احساس خطر از نفوذ کمونیسم خود را نیازمند به طرح جامع آمایش دفاعی میدید که در آن انرژی اتمی نقش پررنگی بازی می‌کرد (چوخانی زاده، ۱۳۸۷: ۱۷). اکبر اعتماد در خاطرات خود از قول شاه می‌گوید "امروز ما می‌توانیم منافع ایران را در تمام زمینه‌ها تامین کنیم. اگر پی سلاح هسته‌ای برویم، کشورهای خارجی در دادن وسایل و تکنولوژی با ما همکاری نمی‌کنند. حتی برنامه عادی انرژی هسته‌ای ما هم مورد خطر واقع می‌شود، ۱۵ سال، ۲۰ سال دیگر اگر روزی شرایط عوض شد و برتری نظامی ما در منطقه بهم خورد و دیگر نتوانستیم از منافع ملی مان دفاع کنیم، یکی از راه حل‌ها ممکن است ساخت سلاح هسته‌ای باشد" (کریمی، ۱۳۹۷: ۸۵-۸۴). وی در جای دیگر می‌گوید "بنا بر وظیفه از آن روز به بعد تصمیم گرفتیم دنبال هر تکنولوژی موجود بروم تا در زمان نیاز مملکت به امکانات لازم دسترسی داشته باشد".^۱ با این اوصاف به نظر می‌رسد شاه با برنامه توسعه خود در قالب انقلاب سفید و در راستای سیاست مستقل ملی با برداشتی که از مفهوم امنیت منطقه‌ای بخصوص پس از مسلح شدن هند و اسرائیل به سلاح اتمی داشت برای آمایش دفاع سرزمینی نقش قابل توجهی را برای فناوری هسته‌ای در نظر گرفت و به همین منظور در روابط خارجی خود در دهه پنجاه شمسی و در دوران جنگ سرد با برقراری رابطه و انجام مراودات تجاری سعی در مهار توسعه طلبی شوروی نمود تا بتواند با وجود فشار و حتی تهدید آمریکا به دلیل افزایش قیمت نفت در کنار بلوک غرب قرار گیرد تا از امتیازهای سیاسی، اقتصادی و بویژه فناوری هسته‌ای بهره‌بردار و برنامه اتمی وسیعی را به کمک درآمدهای سرشار نفتی تدارک ببیند تا علاوه بر برطرف کردن نیازهای روزافزون کشور به انرژی به برقراری توازن قوا در منطقه در زمانی که قوای متعارف نظامی پاسخگوی حفظ حکومت نبود، کمک کند.

سیاست ایالات متحده آمریکا در مورد برنامه اتمی ایران در دهه هفتاد

با تصمیم بریتانیا برای خارج کردن نیروهای نظامی اش از شرق سوئز، دوران تسلط انگلیس بر خلیج فارس پایان یافت (الوندی، ۱۳۸۹: ۵۲). آمریکا با نگرانی از خلا قدرت در منطقه که می‌توانست موجب قدرت‌گیری نیروهای افراطی شود، در جریان مناقشه اعراب و اسرائیل رابطه بیشتر با کشورهای دوست در منطقه را در دستور کار قرار داد که از دلایل آن نفوذ کمونیسم و وابستگی به نفت منطقه را در اوج جنگ سرد بود (زانچتا، ۲۰۰۹: ۷۹). ایران و عربستان نیز تهدید شوروی را حس می‌کردند، چون آشکارا در پی تسلط بر سوئز، عدن، جیبوتی و در پی آن تنگه هرمز بود که با افزایش رادیکالیزم و فروش سلاح به کشورهای تند رو عرب صورت می‌گرفت (الوندی، ۱۳۸۹: ۶۸). سیاست دو ستونی نیکسون با وجود نگرانی‌های توأم دو متحد آمریکا به دلیل سوابق تاریخی و فرهنگی نتوانست موجب همکاری آنها شود. در این بین ایران می‌خواست در خلا قدرت بوجود آمده ژندارم منطقه شود که عربستان با آن موافق نبود ولی آمریکا ناچار بود امکانات لازم را برای ایفای این نقش در اختیار ایران بگذارد، با این که شاه با استقرار فرماندهی نظامی آن کشور در بحرین به عنوان جانشین بریتانیا در خلیج فارس به شدت مخالفت بود (حسینی، ۱۳۹۴: ۱۴۵-۱۴۳). او سروری بر منطقه را حق تاریخی خود می‌دانست و به جهت ایفای نقش جدید خواستار رفع محدودیت خریدهای نظامی بود و این کار را تخفیف فروش نفت به آمریکا انجام می‌داد (ابراهیم، ۱۳۹۴: ۱۲۸-۱۲۵). این وابستگی اقتصاد

^۱ www.aparat.com/v/Ge37H : سخنان اکبر اعتماد در مورد برنامه اتمی ایران قبل از انقلاب.

آمریکا به نفت خام ایران در کنار نیاز آن کشور به متحدی در منطقه برای مقابله با کمونیسم موجب اتحادی شد که برای امنیت طرفین حیاتی بود و آنها را بیشتر به هم وابسته می‌کرد (لوئیس و همکاران،^۱ ۱۹۶۷: ۱۵). چون اساس سیاست آمریکا در آن سالها وابستگی بیشتر به قدرتهای محلی برای دفاع از مناطقی بود که امنیت ملی آمریکا در آنها حیاتی بودند و تضمین می‌کردند که هر گونه تعلیق یا عادی شدن روابط میان دو ابر قدرت موجب ضعف، ناامنی و سقوط محیط پیرامون نشود (ماندل،^۲ ۱۹۶۷: ۲۳). ایران در ۱۹۷۱ به بزرگترین خریدار اسلحه آمریکا تبدیل شد و به موجب توافق منحصر به فردی که در سال ۱۹۷۲ صورت گرفت، اجازه داشت هر خرید نظامی غیر هسته‌ای را بدون دخالت و نظارت از واشنگتن به انجام برساند که باعث گردید ارتش ایران به لحاظ نظامی به یکی از ارتش‌های پیشرفته در جهان تبدیل شود (مک گلینچی،^۳ ۱۴۰۰: ۱۲۹). نگرانی آمریکا از شروع مسابقه تسلیحات اتمی در غرب آسیا با اولین آزمایش اتمی هند موسوم به بودای خندان در سال ۱۹۷۴ شروع شد و با اظهارات تند شاه در مورد تمایل به اتمی شدن در مصاحبه با لوموند در هنگام سفر به فرانسه برای عقد قرارداد اتمی بیشتر گردید. دولت آمریکا از سفیر وقت خود ریچارد هولمز^۴ در ایران خواست که در این باره تحقیق کند. شاه در دیدارش با وی تاکید کرد که مسابقه تسلیحاتی اتمی برای ایران فایده‌ای ندارد، چون با چند بمب اتمی ایران در مقابل ابرقدرتها کاری از پیش نمی‌برد (میلانی،^۵ ۱۳۹۴: ۴۱۹). در همان سال شاه که قصد داشت نیروی دریایی ایران را به بزرگ‌ترین نیروی دریایی خلیج فارس و اقیانوس هند تبدیل کند، خواستار خرید سه زیر دریایی تهاجمی هسته‌ای از آمریکا شد که نیروی دریایی ایالات متحده با آن مخالفت کرد (حسینی،^۶ ۱۳۹۴: ۱۴۷).

وقتی پییر بروسالیت^۷ رئیس دفتر رئیس‌جمهور فرانسه به کسینجر^۸ خبر داد، شاه پس از رد درخواستش توسط آمریکا تلاش کرده زیردریایی‌های هسته‌ای ساخت فرانسه را خریداری کند، آمریکایی‌ها با قراردادن ماجرای زیردریایی‌ها در کنار سخنان ژوئن ۱۹۷۴ شاه و تلاش همسایه‌هایی چون هند، پاکستان و اسرائیل برای رسیدن به سلاح هسته‌ای پی به نیت شاه برای تبدیل شدن به یک قدرت اتمی بردند، چون ایران در دو پیش زمینه تهیه مواد اولیه و دستیابی به فناوری با عقد قراردادهای مختلف در حال پیشرفت بود. بعلاوه شاه در نیمه اول سال ۱۹۷۵ برای خرید شش یگان موشک زمین‌به‌زمین لانس^۹ نیز درخواست داد. قیمت این موشک‌ها تنها زمانی به صرفه بود، که کلاhek هسته‌ای داشتند. چانه‌زنی و اصرار شاه بر تولید مشترک موشک لانس دلیل دیگری برای حرکت به سوی سلاح هسته‌ای بود (مک گلینچی،^{۱۰} ۱۴۰۰: ۱۸۴-۱۸۱).

خرید سلاح استراتژیکی مثل موشک می‌توانست راه آسانی برای حمل بمب اتمی برای کشورهای باشد که فاقد بمب افکن‌های دوربرد بودند، برای همین تقاضای خرید آن به دلیل نقض توافق نیکسون با شاه رد شد (کنگره ایالات متحده آمریکا،^{۱۱} ۱۹۷۵: ۸۲-۷۷).

^۱Louis, et.al

^۲Mandel

^۳Richard Holmez

^۴Peer Brosalit

^۵Henry Alfred Kissinger

^۶Lance missile

^۷U.S. congress, house

رونن برگمن تحلیلگر و نویسنده اسرائیلی در امور امنیتی در کتاب نبرد مخفی علیه ایران، نشان می‌دهد که شاه قصد داشت از فناوری موشکی برای تکمیل پازل بازدارندگی هسته‌ای خود استفاده کند. او در سال ۱۹۷۷ در یک قرارداد سری یک میلیارد دلاری در قبال معامله نفتی برای خرید موشک‌های مونتازی با تجهیزات راهبردی اسرائیلی و ناوبری آمریکایی، که اسرائیل مطابق توافق با ایالات متحده حق به اشتراک گذاری آن را با دیگران نداشت و حاصل نزدیک به دو دهه کوشش اسرائیل برای قابلیت توانایی حمل بمب اتمی بود، در پروژه‌ای به نام شکوفه مشارکت کرد. این قرار داد جهت توسعه برد مفید موشک ضد کشتی گابریل^۱ تا ۲۰۰ کیلومتر و طرح ساخت سلاح هسته‌ای با توانایی شلیک توسط موشک سطح به سطح و سهمی شدن ایران در پروژه زیردریایی‌های حامل کلاهک هسته‌ای بود و اسرائیل از منافع این پروژه جهت تأمین مالی ساخت نسل جدید تسلیحات اختصاصی خود استفاده کرد.

انتشار آرشیو امنیت ملی آمریکا در چهاردهم ژانویه ۲۰۰۷، از نگرانی جرال فورد^۲ و جیمی کارتر^۳ روسای جمهوری وقت آمریکا در دهه هفتاد میلادی از احتمال دستیابی ایران به سلاح اتمی خبر می‌دهد. در واقع شاه در تمامی دهه ۱۹۷۰ به فکر مجهز شدن ایران به سپر دفاعی، نه فقط برای ساخت بمب اتم، بلکه برای رسیدن به نقطه فرار اتمی بود و از اول روی غنی سازی اورانیوم تحت ان پی تی و داشتن چرخه کامل سوخت هسته‌ای شامل بازفراوری پلوتونیوم تاکید داشت که موجب حساسیت بر روی برنامه هسته‌ای ایران شد. برای همین آمریکا از شاه خواست به جای ساخت داخل مبلغ ۳۰۰ میلیون دلار در صنایع غنی سازی اورانیوم شرکت بک تل^۴ آمریکا سرمایه گذاری کند تا تأمین سوخت نیروگاه‌های هسته‌ای خارج از مرزهای ایران باشد.^۵ با نگرانی سازمان سیا بر نقش شاه در افزایش بهای نفت در جهت طرح‌های خود گمان می‌رفت او در دراز مدت با تکمیل سفارش‌های نظامی و هسته‌ای مسقل شده و راه ماجراجویی در پیش گیرد و دیگر یک متحد به حساب نیاید. بدین ترتیب محدودیت‌های راهبرد دوستونی برای هدف آمریکا که حفظ دسترسی به نفت منطقه بود آشکار گشت، بخصوص که ایران و عربستان از تحمیل شرایط سیاسی و اقتصادی خود به غرب برای دسترسی به نفت ابایی نداشتند، پس در نحوه انتقال و فروش تجهیزات و فناوری‌های نظامی و هسته‌ای به منطقه تجدید نظر شد، همچنین عنوان شد که اگر سیاست‌های نفتی اوپک در جهت استفاده از نفت به عنوان سلاح ادامه یابد، امکان اجرای عملیات نظامی در خلیج فارس وجود دارد که نشان از فکر تصاحب نفت به جای اتکا به ژاندارم منطقه‌ای بود (حسینی، ۱۳۹۴: ۱۵۰-۱۴۶). آمریکایی‌ها جدا از بلند پروازی شاه نگران

^۱Gabriel rocket

^۲US National Security Archive

^۳Gerald Ford

^۴Jimmy Carter

^۵Bechtel Company

^۶ سخنان عباس میلانی در انجمن پریا ترلیم فوندیشن، ونکوور کانادا در سال ۲۰۱۵، درباره انتشار اسنادی از برنامه اتمی ایران، باز نشر در سایت یوتیوب www.youtube.com/watch?v=8fwslSaC5pA

بروز هرگونه ناآرامی و یا حمله تروریستی در ایران بودند که می‌توانست این فناوری را به دست دیگران ببندد. از دید آنها خاورمیانه‌ای هسته‌ای می‌توانست موجبات ناامنی و نابودی جهانی شود چون به دلیل فقدان تدابیر امنیتی لازم در فرماندهی و کنترل به دلیل ضعف ساختار اجتماعی و سطح بالای چالش‌های سیاسی و ایدئولوژیک بین کشورهای منطقه در کنار تعصبات قومی و مذهبی، امکان تاراج زرادخانه هسته‌ای توسط گروه‌های تروریستی و استفاده از آن به‌عنوان سپر اشغال‌گری میرفت و این در حالی بود که در دهه هفتاد میلادی به اقتضای جنگ سرد سیاست جهانی ایالات متحده به سوی مهار شوروی بود، پس از مسابقه تسلیحات اتمی در غرب آسیا ممانعت به عمل آوردند و برای همین تمام تلاش خود را برای جلوگیری از هسته‌ای شدن ایران به کار گرفتند حتی با احتیاط با شاه معامله کردند و شرکت‌هایشان را از سرمایه‌گذاری در برنامه هسته‌ای ایران منع نمودند. از دید شاه ایران هسته‌ای، نه تنها تهدیدی برای امنیت منطقه نبود، بلکه می‌توانست با جبران عقب‌ماندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی کشور موجب تحکیم پایه‌های حکومت شود. وی به دلایل امنیتی خود را ناگزیر از انتخاب یکی از دکترین‌های متغییر هسته‌ای می‌دید، ولی هدفش در گام اول داشتن سلاح هسته‌ای نبود. برای همین جهت‌گیری برنامه هسته‌ای ایران به سمت طیف متنوعی از فناوری اتمی رفت و کاربرد پرتوها، تولید انرژی و سوخت هسته‌ای مورد نیاز در دستور کار قرار گرفت تا کشور به آستانه هسته‌ای شدن برسد تا در صورت بروز خطری جدی بتواند بازدارندگی هسته‌ای خود را اجرایی کند و این مشابه راهی بود که دول محور سابق با وجود تمام محدودیت‌های اعمالی از سوی متفقین بعد از جنگ جهانی دوم پیمودند.

نتیجه‌گیری

شاه در راستای سیاست مستقل ملی و رویکردی واقع‌گرایانه نسبت به درک تهدیدات از سوی همسایه شمالی در حالی که در اوج جنگ سرد خود را در محاصره کشورهای متمایل به بلوک چپ می‌دید و با غرب بر سر قیمت نفت وارد منازعه آشکاری شده بود با توجه به اصل موازنه تهدید دست به خریدهای کلان تسلیحاتی زد و در ضمن خواستار منطقه‌ای عاری از تسلیحات هسته‌ای شد. ولی وقتی با اتمی شدن هند و اسرائیل و گرایش دیگر کشورهای منطقه به سوی برخورداری از توان اتمی روبرو شد، دست به اجرای برنامه هسته‌ای زمان بر و پر خرج زد که با افزایش قیمت نفت توانست نسبت به خرید این فناوری و امکانات لازم چرخه سوخت اتمی اقدام کند که ماهیتی دوگانه داشت تا در صورت به هم خوردن موازنه قوای نظامی در منطقه به ضرر ایران بتواند، بازدارندگی هسته‌ای مناسبی را با رسیدن به نقطه فرار اتمی در زمان مناسب تامین کند، چون در این بین تمایل به غنی‌سازی و باز فراوری پلوتونیوم آشکارا امکان استفاده نظامی داشت که در کنار تلاش برای خرید و دست‌یابی به فناوری ساخت موشک با واکنش آمریکا همراه شد. چون راهبرد ایالات متحده در دهه هفتاد میلادی مهار نفوذ شوروی و تضمین دسترسی به نفت بود که این کار در خاورمیانه در قالب جهت‌بخشی به سیاست کشورها در قالب عقد پیمان‌های امنیتی، فروش سلاح، فشارهای دیپلماتیک یا تهدید به استفاده از قدرت نظامی انجام می‌شد، به همین جهت برای برقراری ثبات مدنظر خود به مقابله با دستیابی کشورهای خاورمیانه به توان هسته‌ای پرداخته شد تا کل این موازنه به خطر نیفتد. این در حالی که بود که شاه در سایه تهدیدات ناشی از نفوذ کمونیسم و فشارهای حاصل از افزایش قیمت حامل‌های انرژی در کنار اتمی شدن هند و اسرائیل الزامات امنیتی متفاوتی را تجربه می‌کرد و در سایه تنهایی استراتژیک ایران، خود را ناگزیر از برقراری بازدارندگی مناسب برای حفظ حکومت می‌دید.

نتایج حاصل از این کار پژوهشی نشان می‌دهد با وجود گذشت نیم قرن از شروع برنامه اتمی که ایران برای استفاده از مزایای متعدد این فناوری برای جمعیت زیاد خود در پهنه گسترده جغرافیایی شروع نمود، هنوز از اهمیت دستیابی به این فناوری نه تنها کاسته نشده بلکه روز به روز کاربری آن در بخش‌های مختلف آشکار می‌گردد. اما قدرت‌های بزرگ با توجه به موقعیت خاص ایران و پشتوانه‌های تاریخی، فرهنگی در راه دستیابی ایران به این صنعت استراتژیک به دلیل ارتقای جایگاه ژئوپلیتیک آن مانع ایجاد کردند و در چند دهه گذشته هزینه بسیاری را بر مردم تحمیل نمودند. می‌توان دید در این دوره تا به امروز ایران به دور از نگاه ایدئولوژیک^۱ و در مقام عمل برای حفظ منافع ملی سه گزینه به جهت برنامه هسته‌ای خود داشته است، اول این که آن را در قبال دریافت امتیازات خاص اقتصادی و سیاسی رها کند، دوم به آستانه دست یابی به بمب اتمی یا توانمندی قانونمند هسته‌ای برسد، ولی با امتیازات کمتر راضی شود که مسلح به سلاح هسته‌ای نشود و سوم با افزایش فشارهای امنیتی و با به هم خوردن توازن ژئوپلیتیک به سمت تولید بمب هسته‌ای برود. در مجموع چنین به نظر می‌رسد که شاه در ابتدا خواست از طریق دیپلماتیک راه اول را برود، ولی چون توافقی برای دادن تضمین امنیتی روشن یا وارد کردن ایران در ساختار دفاعی مناسب از طرف غرب نشد، در فقدان احساس امنیت، راه دوم را برگزید که با عدم تغییر شرایط در طول این چند دهه این استراتژی هنوز در قالب خوداتکایی به توانمندی متخصصان داخلی ادامه دارد و با توجه به حوادثی مانند جنگ، حمله شیمیایی، انواع تحریم و تهدید به حمله بخصوص با سلاح هسته‌ای که در این مدت اتفاق افتاده است، لازم می‌نماید ایران به هر طریق توانایی خود را از این جهت حفظ و گسترش بخشد، چون علاوه بر الزامات امنیتی که امروز با آن درگیر است، می‌تواند از موارد متعدد استفاده‌های صلح آمیز این فناوری برای رفع نیازهای جمعیت رو به تزاید خود بهره ببرد، از طرفی پافشاری در کاربرد این فناوری می‌تواند به عنوان الگویی برای ورود و استفاده از سایر علوم نوین در آینده قلمداد شود، تا تمایل و اراده ملی را در کاربرد کلیه فناوری‌های جدید به هر طریق ممکن نشان دهد که امروزه از طریق فناوری اتمی تجلی یافته است.

^۱Ideological

منابع

الف. منابع فارسی

- ۱- ابراهیمی، نبی (۱۳۹۴)، مطالعات مقایسه از مفهوم امنیت در مکاتب اخیر امنیتی، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۷، شماره ۶۶، صص ۳۰-۷.
- ۲- ازغندی، علیرضا (۱۳۹۱)، چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجه جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم، نشر قومس.
- ۳- افتخاری، اصغر (۱۳۸۳)، مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیتی؛ مقاله مطالعات امنیت ملی پس از جنگ سرد، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۴- الوندی، روهم (۱۳۸۹)، محمدرضا پهلوی و مساله بحرین؛ ۱۹۶۸-۱۹۷۰، مطالعات خاورمیانه، جلد ۳۷.
- ۵- امیر شاه کرمی، مریم السادات (تابستان ۱۳۸۳)، سطوح بازدارندگی در رهنامه استراتژیک اسرائیل. فصلنامه مطالعات منطقه ای، شماره ۳، صص ۶۷-۵۵.
- ۶- برگمن، رونن (۱۴۰۱)، نبرد مخفی علیه ایران، ناظر علمی عباس سلیمی نمین، ترجمه حسین جاجرمی، نشر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران.
- ۷- ترابی، قاسم (۱۳۷۴)، موازنه تهدید: موازنه قوا یا اتحاد با طرف تهدید کننده، ماهنامه اطلاعات راهبردی، سال هفتم، شماره ۷۴.
- ۸- توفیق، فیروز (۱۳۸۴)، آمایش سرزمین: تجربه جهانی و انطباق آن با وضع ایران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- ۹- چوخاچی زاده مقدم، محمدباقر (۱۳۸۱)، مجموعه مقالات همایش آمایش و دفاع سرزمینی، دانشگاه امام حسین(ع).
- ۱۰- حسنیور، حمید (۱۳۹۹)، نقش آیین نامه‌ها در راهبرد اعمال قدرت نظامی نیروهای مسلح برای مقابله با تهدیدهای آینده، نشریه علوم و فنون نظامی، سال ۱۶، شماره ۵۱.
- ۱۱- حسینی، سید محمد (۱۳۹۴)، سیاست خارجه ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس از ترومن تا اوباما، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ۱۲- جونیر، دانیل (۱۳۹۶)، برنامه هسته‌ای ایران و حقوق بین الملل از تقابل تا توافق، ترجمه سید حسین سادات میدانی و یاسر سالاریان و مهدی خلیلی طریقه، تهران، چاپ و انتشارات وزارت خارجه.
- ۱۳- چمنکار، محمدجعفر (۱۳۸۲)، توسعه ساختار نظامی حاکمیت پهلوی: زمینه‌ها و تأثیرات آن بر سیاست خارجی ایران (۱۳۵۷-۱۳۵۰)، تاریخ معاصر ایران، شماره ۲۷، صص ۶۱-۱۰۴.
- ۱۴- رفسنجانی نژاد، سیما (۱۳۹۸)، نقش انگلیس در پرونده هسته‌ای ایران، تهران، موسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۱۵- روشندل، جلیل (۱۳۷۴)، امنیت و نظام بین الملل، تهران، نشر سمت.
- ۱۶- صادقی، سید شمس الدین و نادری، مسعود (۱۳۹۵)، تحلیل ابعاد امنیت ایران در قرن بیست و یکم، فصلنامه دولت پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۲(۵)، صص ۱۶۵-۲۰۲.
- ۱۷- علی بابایی، غلامرضا (۱۳۸۶)، تاریخچه انرژی هسته‌ای در ایران و جهان، تهران، وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.

- ۱۸- علیخانی، علینقی (۱۳۹۳)، یادداشت‌های علم، سال ۱۳۴۸-۱۳۴۷، جلد اول، چاپ چهارم، نشر کتاب سرا.
- ۱۹- قریشی، جمیل و نادرلویی، رامین (شهریور ۱۴۰۰)، درک پهلوی دوم از امنیت و خرید تسلیحات نظامی پیشرفته از منظر مکتب کپنهاگ، مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، سال سوم، شماره ۲۶، صص ۳۴-۵۷.
- ۲۰- کریمی، مجید (۱۳۹۷)، سالهای اعتماد، خاطرات دکتر اکبر اعتماد (نخستین رئیس سازمان انرژی اتمی ایران)، تهران، نشر آرون.
- ۲۱- کوشکی، محمد صادق و میرحسینی، فرشته (۱۴۰۰)، فناوری هسته‌ای در منطقه غرب آسیا، تهران، دفتر نشر معارف.
- ۲۲- ماندل، رابرت (۱۳۷۹)، چهره متغییر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۳- مرتضوی، علی و باقری، محمد رضا (۱۳۹۹)، برنامه هسته‌ای ایران و امنیت اسرائیل بر اساس موازنه تهدید، تهران، نشر رنگین کتاب.
- ۲۴- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۲)، تحول در نظریه‌های روابط بین الملل، چاپ هشتم، نشر سمت.
- ۲۵- مک گلینچی، استیون (۱۴۰۰)، آمریکا و شاه، سی سال رابطه تسلیحاتی، ترجمه محمد شمس الدین عبداللهی نژاد، نشر ققنوس.
- ۲۶- میلانی، عباس (۱۳۹۴)، نگاهی به شاه. کانادا، تورنتو، چاپ دوم، نشر پرشین سیرکل.
- ۲۷- هالیدی، فرد (۱۳۵۸)، دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران، ترجمه فضل‌الله نیک‌آیین، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۲۸- یزدانی راد، محمد حسین (۱۳۹۸)، در پرتگاه حوادث، زندگی نامه اکبر اعتماد، بنیانگذار سازمان انرژی اتمی ایران، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، نشر اختران.

ب. منابع انگلیسی

- ۱- Brodie, Bernard (1959), "8", "The Anatomy of Deterrence" as found in Strategy in the Missile Age, Princeton: Princeton University Press, pp. 264-304.
- ۲- Buzan, B., Wæver, O. and Wilde, J. Security (1998) A New Framework for Analysis, Lynne Rienner, London.
- ۳- Cooper, Tom (April 2004), "TARGET: SADDAM'S REACTOR", The Washington Post.
- ۴- Diskaya, Ali, (2013), Towards a Critical Securitization Theory: The Copenhagen and Aberystwyth Schools of Security Studies, the world's leading open access website for students and scholars of international politics.
- ۵- Huth, P. K. (1999), "Deterrence and International Conflict: Empirical Findings and Theoretical Debate", Annual Review of Political Science, vol. 2, pp. 25-48
- ۶- Louis J. Smith and David H. Herschler, Editors, and David S. Patterson, General Editor, Foreign Relations of the United States, 1969-76, □□□□□□ □,
- ۷- Mandel, Robert. (1967), The changing face of national security, translated by the Institute of Strategic Studies. Tehran, Publications of the Research Institute of Strategic Studies.
- ۸- McSweeney, B, (1996), "Identity and Security: Buzan and the Copenhagen School", Review of International Studies, 22 pp. 81-93.

- ۹- U.S. congress, house, Committee on International Relation, Oil Fields as Military objectives: a Feasibility Study, 1975: pp. 77-82.
- ۱۰- Zanchetta, Barbara (2009), The United States and, The “Loss” of Iran, Working Papers in International History And Politics.

پ-سایت‌ها

۱. www.aparat.com/v/pEwBF
۲. www.youtube.com/watch?v=8fws1SaC5pA
۳. www.youtube.com/watch?v=mt5u4jaD1NA&ppygU
۴. <https://www.khabaronline.ir/news/120347/>
۵. www.aparat.com/v/Ge37H
۶. www.youtube.com/watch?v=8fws1SaC5pA
۷. www.youtube.com/watch?V=1zun-VxX1Eo

Mohammad Reza Shah's Motivation and Defensive Strategy to Achieve Nuclear Deterrence

Abstract:

Mohammad Reza Shah's security concerns increased in the 1970s in the neighborhood of the nuclear superpower of the Soviet Union, which had a history of occupying Azerbaijan, in addition to the heavy arming of the West Asian Arab countries by the Eastern Bloc, parallel to India's nuclear test, and in Iran's strategic historical isolation and lack of The Dependable Military Treaty pursued a vast nuclear program, while the United States ignored these facts and ignored Israel's nuclear power, opposing Iran's uranium enrichment and nuclear fuel reprocessing program due to its possible military use. The main purpose of this research is to explain the motivations of the Shah to achieve nuclear deterrence, who, with a realistic approach to peripheral threats, considered it an effective tool in line with the independent national policy, and wanted a legal dual-use nuclear capability to be able to surround this In addition to peaceful uses, the technology should create a suitable deterrent when the balance of conventional military forces is disrupted to the detriment of Iran by reaching the nuclear escape point. The present theoretical research has been carried out with the descriptive-analytical method and reasoning from historical data with the library information collection tool.

Keywords: Iran's Nuclear Program, Mohammad Reza Shah Pahlavi, Nuclear Deterrence, United States of America, West of Asia.